


The Institution of the Public Treasury (Bayt al-Māl) in the Prophetic State: A Later Construct or Historical Reality?

- ✉ **Seyyed Javad Mirzazadeh Qaṣṣab-Kalai**  / Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute s.j.m.z.1390@gmail.com
- Seyyed Mohammad Kazim Rajai Ramesheh** / Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute rajaii@iki.ac.ir
- Seyyed Mohammad Ali Mousavi** / Assistant Professor, Department of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute m.a.mousavi@iki.ac.ir
- Mohammad Javad Yavari Sartakhti** / Assistant Professor, Department of History, Bāqir al-'Ulūm University javad-yavari@yahoo.com
- Received: 2025/04/30 - Accepted: 2025/08/04

Abstract

A prevalent view among biographers and historians holds that the Public Treasury (Bayt al-Māl) and its financial and administrative organization were formed after the Prophetic era, during the period of the Caliphs. This view raises a critical question: did the governmental, managerial, and financial necessities of the Prophetic state not require the existence of such an institution? Employing a descriptive-analytical method and a critical historiography approach, this research investigates the origins of the establishment of the Bayt al-Māl in early Islam. Its primary objective is to scrutinize historical evidence concerning the existence of the Bayt al-Māl as a systematic financial mechanism with specific functions during the era of the Prophet Muhammad (PBUH). The findings demonstrate that although the formal terminology for the concept of "Bayt al-Māl" had not been developed during the Prophetic rule, the core functions of this institution existed in a decentralized form. Historical evidence and reports indicate the existence of a treasury and scattered, non-fixed locations for storing assets (such as the mosque, with local agents, dedicated pastures, and similar venues). Furthermore, the existence of a financial agency system encompassing the collection, distribution, auditing, and supervision of public funds proves the presence of a coherent financial structure in the Prophetic state.

Keywords: public treasury (Bayt al-Māl), Prophetic state, administrative and financial organization, public assets.


نهاد بیت‌المال در دولت نبوی؛ برداشت متأخر یا واقعیت تاریخی؟^۱

s.j.m.z.1390@gmail.com

rajaii@iki.ac.ir

m.a.mousavi@iki.ac.ir

javadyavari@yahoo.com

ک. سید جواد میرزاده قصاب‌کلایی  / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی[✉]سید محمد کاظم رجایی رامشه / استاد گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی[✉]سید محمد علی موسوی / استادیار گروه اقتصاد مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی[✉]محمد جواد یآوری سرتختی / استادیار گروه تاریخ دانشگاه باقرالعلوم[✉]

دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۱۰ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۳

چکیده

دیدگاه رایجی در میان سیره‌نگاران و تاریخ‌پژوهان وجود دارد مبنی بر اینکه بیت‌المال و تشکیلات مالی و اداری آن پس از عصر نبوی و در دوران خلفا شکل گرفته است. این دیدگاه، پرسشی جدی را مطرح می‌کند: آیا الزامات حکومتی، مدیریتی و مالی، اقتضای وجود چنین نهادی را در دولت نبوی نداشته‌اند؟ این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تاریخ‌نگاری انتقادی، به بررسی مبدأ تأسیس بیت‌المال در صدر اسلام می‌پردازد. هدف اصلی، واکاوی شواهد تاریخی درباره وجود بیت‌المال به مثابه سازوکار مالی نظام‌مند با کارکردهای مشخص در عصر پیامبر اکرم^ﷺ است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه ادبیات رسمی در خصوص مفهوم «بیت‌المال» در زمان حکومت نبوی شکل نگرفته بود، اما کارکردهای اصلی این نهاد به صورت غیرمتمرکز وجود داشت. شواهد و گزارش‌های تاریخی از وجود خزانه و مکان‌های پراکنده و غیرثابت (مانند نگهداری اموال در مسجد، نزد کارگزاران محلی، چراگاه‌های اختصاصی و موارد مشابه) حکایت دارد. افزون بر این، وجود نظام کارگزاری مالی شامل جذب، توزیع، حسابرسی و نظارت بر اموال عمومی، ساختاری مالی منسجم را در دولت نبوی اثبات می‌کند.

کلیدواژه‌ها: بیت‌المال، دولت نبوی، تشکیلات اداری و مالی، اموال عمومی.

۱. این مقاله از طرح پژوهشی مشترک در دست انجام با عنوان «نظام مالیه و بودجه‌ریزی دولت نبوی» استخراج شده است.

درباره تاریخ شکل‌گیری نهاد بیت‌المال و اختصاص مکانی برای آن در صدر اسلام، اختلاف‌نظرهایی وجود دارد. آنچه در پژوهش‌های تاریخی و سیره‌نگاری شهرت یافته، این است که پس از وفات پیامبر اکرم ﷺ در دوران خلفا و به‌ویژه با گسترش فتوحات، نیاز به مرکزی برای جمع‌آوری، حفظ و مدیریت اموال عمومی و درآمدهای واردشده احساس شد و برای آن مکان و دیوانی در نظر گرفته شد.

در برخی گزارش‌ها آمده است که ابوبکر بن ابی‌قحافه مکانی را در سُتْح، در چند کیلومتری مدینه، به‌عنوان بیت‌المال تعیین کرد و پس از انتقال به مدینه، بخشی از خانه‌اش را برای این منظور اختصاص داد.^۱

برخی دیگر معتقدند: عمر بن خطاب نخستین کسی بود که بیت‌المال را بنیان نهاد،^۲ برای آن دفتر و دیوان تدوین کرد و افرادی را بر آن گماشت.^۳ خلفای بعدی نیز مکانی برای جمع‌آوری و نگاه‌داری این درآمدها و اموال داشتند؛ چنان‌که امیرالمؤمنین ﷺ پس از تقسیم موجودی بیت‌المال، آن مکان را آب و جارو می‌کردند و در آن نماز می‌گزارند.^۴

در برابر این دیدگاه غالب، اگر نظریه‌ای شکل‌گیری نهاد و تشکیلات بیت‌المال را به عصر نبوی نسبت دهد، ممکن است برداشت متأخری تلقی شود که فاقد پشتوانه تاریخی است. اما آیا نمی‌توان شواهد و دلایلی یافت که نشان دهد چنین نهادی در زمان حکومت رسول خدا ﷺ در مدینه وجود داشته است؟ آیا الزامات حکومتی و مدیریت دخل و خرج، اقتضای وجود نهاد و تشکیلاتی مانند بیت‌المال را نداشته‌اند؟

این پرسش‌ها از اهمیت بالایی برخوردارند؛ زیرا پیامبر اکرم ﷺ در قرآن کریم به‌عنوان «الگوی نیکو»^۵ معرفی شده‌اند و جوامع اسلامی موظف‌اند در تمام ابعاد زندگی فردی و اجتماعی از ایشان پیروی کنند. در صورت اثبات وجود نهاد بیت‌المال و تشکیلات مالی و اداری آن در دولت نبوی، تجربه موفق مدیریت و حکمرانی پیامبر ﷺ می‌تواند رهیافت‌هایی راهگشا برای حل مسائل و چالش‌های امروز اقتصاد، نظام مالی و بودجه‌ریزی ارائه دهد.

در حوزه بیت‌المال، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. برخی نویسندگان مانند ابوالقاسم اجتهادی در کتاب

۱. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۱۳؛ جلال‌الدین عبدالرحمن سیوطی، تاریخ الخلفاء، ص ۶۴.

۲. حسن بن عبدالله ابوهلال عسکری، الأوائل، ج ۱، ص ۱۵۲.

۳. عبدالملک ابن هشام، السیرة النبویه، ج ۱، ص ۳۴۳؛ ج ۲، ص ۳۶۰؛ علی بن محمد ابن اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ۳، ص ۱۷۱؛ عبدالحی

الکتانی، نظام الحکومة النبویه، ج ۱، ص ۲۰۰.

۴. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۴۵.

۵. احزاب: ۲۱.

بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوره امویان به طور کلی، به وضعیت مالی در عصر نبوی پرداخته‌اند.^۱ پژوهشگرانی همچون حامد منتظری مقدم در مقاله «شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام»^۲ و علی کرجی در مقاله «سیره پیامبر اکرم ﷺ در بیت‌المال»^۳، سیره رسول خدا ﷺ را در زمینه دخل و خرج بیت‌المال بررسی کرده‌اند. آثار دیگری مانند تاریخ تشکیلات در اسلام^۴ و نظام اداری در سیره و سنت نبوی^۵، نظام اداری حکومت نبوی را به طور کلی واکاوی کرده‌اند. این پژوهش‌ها در پی بررسی زمان شکل‌گیری ادبیات بیت‌المال و اثبات وجود مکان فیزیکی و نهاد مالی با سازوکار تشکیلاتی خاص نبوده‌اند.

نویسندگانی مانند خوله شاکر الدجیلی هم در کتاب بیت‌المال: پیدایش و تحولات آن^۶، به‌جمال به دوره نبوی اشاره کرده و پیدایش بیت‌المال را به دوران خلفا و همزمان با گسترش فتوحات اسلامی نسبت داده است. پژوهش حاضر با روش «توصیفی - تحلیلی و رویکرد تاریخ‌نگاری انتقادی، دیدگاه رایج درباره آغاز تأسیس نهاد بیت‌المال را به چالش کشیده و با ارائه شواهد تاریخی، وجود این نهاد و سازوکارهای مالی و اداری آن در عصر نبوی را اثبات می‌کند.

۱. واکاوی شکل‌گیری ادبیات «بیت‌المال»

تاریخ و اقتصاد صدر اسلام با مفهومی به نام «بیت‌المال» گره خورده است؛ مفهومی که از آن زمان تاکنون در ادبیات اسلامی کاربرد داشته است. در فقه اسلامی، عنوان «بیت‌المال» در بسیاری از ابواب همچون زکات، خمس، حج، جهاد، تفریس، سبق و رمایه، طلاق، لقطه، ارث، قضا، شهادت، حدود، قصاص و دیات مطرح شده است.^۷ «بیت‌المال» در لغت، ترکیبی از دو واژه «بیت» و «مال» به معنای خانه مال و دارایی است. در اصطلاح، «بیت‌المال» مکانی است که اموال عمومی و دولتی در آن جمع‌آوری و نگاه‌داری^۸ می‌شود و برای مصالح مسلمانان از آنها استفاده می‌شود.^۹ در برخی منابع روایی و تاریخی، تعبیر «بیت مال المسلمین» به کار رفته^{۱۰} که «بیت‌المال»

۱. ابوالقاسم اجتهادی، بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی، تهران، سروش، ۱۳۶۳.

۲. حامد منتظری مقدم، «شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام»، معرفت اقتصادی، ش ۲، ص ۱۲۷-۱۶۹.

۳. علی کرجی، «سیره پیامبر اکرم ﷺ در بیت‌المال»، فرهنگ کوثر، ش ۴۹، ص ۱۱۱-۱۲۵.

۴. محمدرضا شهیدی پاک، تاریخ تشکیلات در اسلام، قم، المصطفی، ۱۴۰۲.

۵. حمید زارع، نظام اداری در سیره و سنت نبوی، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.

۶. خوله شاکر الدجیلی، بیت‌المال: پیدایش و تحولات آن، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹.

۷. سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ، ج ۲، ص ۱۵۵.

۸. همان؛ علی بن محمد ماوردی، الأحكام السلطانیة و الولايات الدینیة، ج ۱، ص ۲۱۳.

۹. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۰، ص ۲۲۸؛ ج ۳۸، ص ۱۶۵.

شکل اختصاری آن است و همان معنا را افاده می‌کند.

برخی روایات و گزارش‌ها احتمال شکل‌گیری ادبیات بیت‌المال را از همان عصر نبوی مطرح می‌کنند. در روایتی از *اصول کافی*، در ماجرای قتل خطایی ماعز بن مالک، امام کاظم علیه السلام نقل می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله دیه او را از «بیت مال المسلمین» پرداخت کردند.^۱

البته در *محاسن برقی*، به جای این عبارت، «مال المسلمین» آمده است.^۲ اگر نسخه *محاسن* صحیح باشد، نمی‌توان از این روایت، رواج ادبیات بیت‌المال در دوره نبوی را اثبات کرد.

در روایت دیگری از *اصول کافی*، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «هر کسی از دنیا برود و دینی بر گردن او باشد، بر عهده من است که آن را ادا کنم».^۳ در برخی منابع اهل سنت، این روایت به‌گونه‌ای نقل شده که آن حضرت فرموده‌اند: «بر عهده من است که آن را از بیت‌المال مسلمانان ادا کنم».^۴

همچنین ابن‌شهر آشوب نامه‌ای از پیامبر صلی الله علیه و آله به حی سلمان در کازرون نقل می‌کند که در آن، حضرت اجازه می‌دهند هر سال از بیت‌المال، ۲۰۰ حله به مردم آنجا داده شود: «وَلْيَعْطُوا مِنْ بَيْتِ مَالِ الْمُسْلِمِينَ فِي كُلِّ سَنَةٍ مِائَتِي حُلَّةٍ».^۵ در این نامه منسوب به پیامبر صلی الله علیه و آله، به «بیت‌المال» تصریح شده است، هرچند احمدی میانجی در *مکاتیب الرسول* صلی الله علیه و آله، محتوای این نامه را دارای اشکالاتی می‌داند.^۶

در برخی روایات، از زبان پیامبر صلی الله علیه و آله تعبیر «فیء» برای اموال عمومی به کار رفته است. در این روایات، حضرت کسانی که فیء مسلمانان را به خود اختصاص دهند و آن را برای خود حلال بشمارند، لعنت کرده‌اند.^۷ گرچه «فیء» در اصطلاح فقهی، اموالی است که بدون جنگ و درگیری از کفار به غنیمت گرفته می‌شود، اما بر مطلق غنیمت و

۱۰. عبدالملک ابن‌هشام، *السیرة النبویه*، ج ۲؛ قاسم بن سلام ابوعبید، *الأموال*، ج ۱، ص ۳۱۹؛ محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۷، ص ۱۸۵ و ۲۲۳؛

محمد بن حسن طوسی، *تهذیب الأحکام*، ج ۹، ص ۳۹۴؛ ج ۱۰، ص ۱۶۷ و ۳۶۰.

۱. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*؛ محمد بن حسن طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۱۰، ص ۳۴.

۲. احمد بن محمد برقی، *المحاسن*، ج ۲، ص ۳۰۶.

۳. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۱، ص ۴۰۶.

۴. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، *کنز العمال*، ج ۱۱، ص ۱۴؛ سلیمان بن احمد طبرانی، *المعجم الکبیر*، ج ۶، ص ۲۴۰.

۵. محمد بن علی ابن‌شهر آشوب مازندرانی، *المناقب*، ج ۱، ص ۱۱۱؛ محمدباقر مجلسی، *بحار الأنوار*، ج ۱۸، ص ۱۳۴؛ علی احمدی میانجی، *مکاتیب الرسول* صلی الله علیه و آله، ج ۲، ص ۲۸۶ و ۲۸۷.

۶. علی احمدی میانجی، *مکاتیب الرسول* صلی الله علیه و آله، ص ۲۸۶-۲۹۰.

۷. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۲، ص ۲۹۳؛ احمد بن محمد برقی، *المحاسن*، ج ۱، ص ۱۱؛ محمد بن علی صدوق، *الخصال*، ج ۱، ص ۳۳۸؛

محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۱۵، ص ۳۴۱؛ ج ۱۶، ص ۵۱.

انفال نیز اطلاق می‌گردد.^۱ از این رو علامه مجلسی در شرح این روایات می‌نویسد: «فیء» بر غنیمت، خمس و انفال اطلاق می‌شود.^۲ در برخی روایات دیگر نیز، پیامبر ﷺ از تعبیر «مال الله» برای اموال عمومی استفاده کرده‌اند.^۳ استعمال این عناوین برای اموال عمومی، در کنار نارسایی روایات و گزارش‌های پیشین با عنوان «بیت‌المال» برای اثبات مقصود، این دیدگاه را تقویت می‌کند که در دوره حکومت نبوی، ادبیات و مفهوم «بیت‌المال» به‌طور رسمی شکل نگرفته و در محاورات عمومی رایج نبوده است.

رایج نشدن مفهوم و ادبیات «بیت‌المال»، به‌معنای نبود نهاد بیت‌المال در آن دوره نیست؛ زیرا اولاً، دولت نبوی دولتی نوپا و تازه تأسیس بود که به تدریج در طول چند سال، منابع و درآمدهای جدیدی به بیت‌المال افزوده شد. ثانیاً، با وجود مکان‌های مختلف برای نگهداری اموال عمومی، در آن عصر مکان ثابت و متمرکزی برای بیت‌المال وجود نداشت. از این رو طبیعی است که ادبیات و مفهوم آن به سرعت شکل نگرفته باشد.

البته برای اثبات وجود بیت‌المال، حتی اثبات وجود مکان فیزیکی نیز ضروری نیست؛ زیرا در بیت‌المال، عنوان و جهت اهمیت دارد، نه مکان.^۴ هر مالی که به‌عنوان اموال عمومی دریافت و قبض شود، حتی اگر وارد مکان خاصی نشود، از حقوق بیت‌المال محسوب می‌شود و بر آن «بیت‌المال» اطلاق می‌گردد.^۵ بر این اساس، به نظر می‌رسد ارتکاز عرفی برای وجود دخل و خرج اموال عمومی در زمان پیامبر ﷺ شکل گرفته بوده، اما اصطلاح و عنوان «بیت‌المال» در آن زمان رایج نبوده است. به تعبیر دیگر، مسمماً وجود داشته، اما اسم به تدریج پدید آمده است.

۲. ادله و شواهد وجود مکان فیزیکی بیت‌المال

مسلم است که دولت نبوی دارای درآمدها و هزینه‌هایی بوده است. غنایم، زکات، خمس، خراج، جزیه و برخی منابع دیگر در اختیار حکومت قرار می‌گرفت و در امور معیشتی، فرهنگی، نظامی، عمرانی و سایر نیازهای جامعه صرف می‌شد.

تاریخ‌پژوهان درباره اینکه آیا در زمان پیامبر اکرم ﷺ مکانی فیزیکی برای جمع‌آوری و نگهداری اموال عمومی وجود داشت یا نه، اختلاف نظر دارند. دیدگاه غالب بر آن است که به سبب اهتمام رسول خدا ﷺ به تقسیم فوری و روزانه اموال، عدم انباشت آن، درآمدهای نسبتاً محدود دولت، نیاز گسترده و روزانه مردم و ساختار ساده حکومت، توجیهی برای انباشت اموال و ایجاد مکان خاصی برای این منظور وجود نداشت.^۶ به عبارت دیگر، مال بود، اما

۱. سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۵، ص ۷۳۱.

۲. محمدباقر مجلسی، مرآة العقول، ج ۱۰، ص ۸۷.

۳. فضل بن حسن طبرسی، إعلام الوری، ج ۱، ص ۹۷؛ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۵۱.

۴. علی بن محمد ماوردی، الأحكام السلطانیة و الولايات الدینیة، ج ۱، ص ۲۱۳.

۵. سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، ج ۲، ص ۱۵۵.

۶. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۵، ص ۱۰۸؛ ابراهیم بن محمد تقی کوفی، الغارات، ج ۱، ص ۳۱ و ۳۲؛ ابو عبید، الأموال، ج ۱،

«بیتی» برای آن نبود. از این رو، ادبیات بیت‌المال نیز در آن دوره شکل نگرفته است.

در برخی منابع شیعه و سنی آمده است که رسول خدا ﷺ درآمدها و اموالی را که به دستشان می‌رسید، در همان روز و در همان محل صرف می‌کردند. ثقفی کوفی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت می‌کند که پیامبر ﷺ هیچ چیزی را برای روز بعد نگه نمی‌داشتند و همه را همان روز توزیع می‌کردند.^۲

ابن زنجویه در *الأموال* می‌نویسد: حضرت اگر اموالی از فیه یا غیر آن به دستشان می‌رسید، همان روز تقسیم می‌کردند؛ اگر صبح می‌رسید، نمی‌گذاشتند تا ظهر بماند و اگر شامگاه می‌رسید، نمی‌خوابیدند تا آن را به دست اهلس برسانند.^۳ با این حال، این روش پیامبر ﷺ منافاتی با وجود بیتی مستقل یا مکانی موقت برای جمع‌آوری و نگاه‌داری درآمدها و اموال وارد شده ندارد. اموالی که صبح می‌رسید، تا زمان مصرف باید در جایی نگاه‌داری می‌شد. همچنین اموالی که عصر وارد می‌شد، نیاز به محل نگاه‌داری داشت. به نظر می‌رسد سیره پیامبر ﷺ در عدم حبس اموال برای روز بعد، مربوط به شرایط عادی و روال معمول بود و ممکن است در مواردی خاص، استثنائاتی نیز وجود داشته است. ادله عقلایی و شواهد و قرآینی در مستندات تاریخی و روایی وجود دارد که احتمال وجود بیت و محلی برای انباشت درآمدها و اموال وارد شده را تقویت می‌کند:

۱-۲. دلیل عقلایی

در دوران حکومت پیامبر اکرم ﷺ در مدینه، الزامات حاکمیتی و ضرورت مدیریت دخل و خرج ایجاب می‌کرد که مکانی - هرچند موقتی و غیرمتمرکز - برای جمع‌آوری و نگاه‌داری درآمدها و اموال عمومی و دولتی وجود داشته باشد. طبیعی است که نظام مالیاتی و منابع درآمدی (مانند زکات، خراج، خمس و فیه) نیازمند محل مناسبی برای حفظ و توزیع بودند؛ زیرا محل مصرف این درآمدها (مانند نیازمندان) همواره در دسترس نبود. حمل روزانه و دائم این اموال برای توزیع نیز از نظر عقلایی قابل پذیرش نیست. اموال غیرنقدی مانند شتر، گاو، گوسفند، گندم و خرما، امکان توزیع فوری نداشتند و طبیعتاً به مکانی برای نگاه‌داری موقت نیاز داشتند.

در مواقعی که پیامبر ﷺ به سبب حضور در غزوات، غیبت طولانی داشتند، اموال و درآمدهای وارد شده باید حفظ می‌شدند. حتی در زمان حضور ایشان در مدینه، با وجود ترجیح بر رساندن سریع اموال به مستحقان، گاهی

ص ۳۱۶؛ خوله شاکر الدجیلی، بیت‌المال؛ پیدایش و تحولات آن، ص ۲۷ و ۲۸؛ حامد منتظری مقدم، شیوه‌های تقسیم بیت‌المال در صدر اسلام، ص ۱۴۰ و ۱۴۱.

۱. ابوزید ابن‌شبهه، تاریخ المدینه، ج ۳، ص ۸۵۷.

۲. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ص ۴۷.

۳. حمید بن مخلد ابن زنجویه، الأموال، ج ۳، ص ۱۲۷۷.

مشغله‌های شخصی، تبلیغی و حکومتی مانع از این امر می‌شد و ضرورت وجود مکانی برای نگاهداری موقت را ایجاب می‌کرد. همچنین اموال دولتی (مانند اسلحه و ابزارآلات جنگی که در پی جنگ‌های متعدد ساخته یا خریداری می‌شدند) نیازمند انبار و محل نگاهداری بودند. گرچه غنایم جنگی پس از پیروزی میان رزمندگان تقسیم می‌شدند، اما خمس غنایم، صفوه و فیه که در اختیار پیامبر ﷺ قرار داشت، همواره امکان توزیع فوری نداشت و دست‌کم بخشی از آن باید به مدینه منتقل می‌شد تا در مصارف مربوط به آن هزینه گردد.

این موارد و پرسش‌های مشابه، دیدگاه غالب مبنی بر عدم شکل‌گیری مکان یا مکان‌هایی برای نگاهداری اموال عمومی و دولتی در عهد نبوی را با چالش جدی مواجه می‌سازد. بنابراین، با توجه به گستردگی فعالیت‌های اقتصادی، نظامی و اجتماعی دولت نبوی، منطقی است که محل یا محل‌هایی برای جمع‌آوری و حفظ اموال عمومی و دولتی در مدینه و دیگر مناطق تحت حکومت اسلامی وجود داشته باشد، هرچند در ادبیات رسمی و عمومی آن زمان، به‌عنوان «بیت‌المال» یا «خزانه» نام‌گذاری نشده باشد. این امر نه تنها یک ضرورت حکومتی، بلکه لازمه مدیریت مالی دقیق و منظم در دولت نبوی به‌شمار می‌آید.

۲-۲. شواهد و قراین

۲-۱-۲. عنوان «بیت‌المال»

در بحث ادبیات بیت‌المال، چند روایت و گزارش ذکر شد که بر استعمال عنوان «بیت‌المال» در دوره رسول خدا ﷺ دلالت دارند. پیش‌تر بیان شد که این ادله از نظر سندی و اصالت صدور، برای اثبات شکل‌گیری ادبیات بیت‌المال در آن دوره، نارسایی‌هایی دارند. با این حال، اگر این ادله معتبر و قابل پذیرش باشند، همان‌گونه که می‌توانند بر رواج ادبیات و مفهوم بیت‌المال دلالت کنند، وجود بیت و مکان فیزیکی آن را نیز اثبات می‌نمایند.

۲-۲-۲. کارکرد مالی مسجد

برخی گزارش‌های روایی و تاریخی، به جمع‌آوری درآمدها و اموال عمومی در مسجد اشاره دارند. در *وسائل الشیعه* از امام صادق علیه السلام روایت شده است که اهل مدینه زکات فطریه خود را به مسجد پیامبر ﷺ می‌آوردند و افراد خالص و تخمین‌زن مقدار آن را برآورد می‌کردند.^۱

بخاری از انس بن مالک نقل می‌کند که وقتی اموال جزیه‌ای بحرین نزد رسول خدا ﷺ آورده شد، ایشان دستور دادند آن را در مسجد قرار دهند.^۲

گزارش‌هایی نیز از تقسیم بیت‌المال توسط پیامبر ﷺ پس از نماز در مسجد وجود دارد. در یکی از گزارش‌های

۱. محمد بن حسن حر عاملی، *وسائل الشیعه*، ج ۹، ص ۲۰۷؛ محمد بن مسعود عیاشی، *تفسیر العیاشی*، ج ۱، ص ۱۵۰.

۲. محمد بن اسماعیل بخاری، *صحیح البخاری*، ج ۱، ص ۹۱.

بخاری آمده است که نبی مکرم ﷺ اموال رسیده از بحرین را پس از نماز میان حاضران در مسجد تقسیم کردند.^۱ بخاری در جای دیگری از جابر بن عبدالله نقل می‌کند که به مسجد نزد پیامبر ﷺ رفتم و از بدهکاری خود به ایشان گفتم. حضرت فرمودند: «دو رکعت نماز بخوان». سپس دین مرا ادا کردند و مبلغی اضافه نیز دادند.^۲ در گزارش دیگری از منابع اهل سنت، زمانی که ابوعبیده جراح اموال بحرین را به مدینه آورد، انصار پس از نماز جماعت صبح، پشت سر رسول خدا ﷺ در انتظار تقسیم جزیه بودند.^۳

۳-۲-۲. اتاکی برای زکات

برخی گزارش‌ها به وجود اتاکی برای نگهداری زکات اشاره دارند. طبری آملی در *بشارة المصطفی* و برخی منابع اهل سنت از امام حسن مجتبیٰ علیه السلام نقل می‌کنند که ایشان در کودکی همراه پیامبر اکرم ﷺ وارد «غرفه زکات» شدند. امام حسن علیه السلام خرمایی برداشتند و خواستند آن را تناول کنند، اما رسول خدا ﷺ ایشان را از این کار منع کردند و فرمودند: صدقه و زکات بر پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام ایشان حلال نیست.^۴ این گزارش، ضمن تأکید بر حرمت صدقه بر اهل بیت علیهم السلام، به وجود مکانی خاص برای نگهداری زکات در عصر نبوی اشاره دارد.

۴-۲-۲. نشاندار کردن حیوانات در مرید

گزارشی وجود دارد که نشان می‌دهد پیامبر اکرم ﷺ مکانی به نام «مرید»^۵ داشتند که در آن حیوانات را علامت‌گذاری می‌کردند.^۶ در این گزارش و گزارش‌های مشابه آمده است که حضرت برای مشخص شدن نوع دریافت حیوان - که از چه منبعی مانند زکات، صدقه یا جزیه گرفته شده -^۷ بر بدن آن علامت می‌گذاشتند.^۸ این علامت‌گذاری نشان می‌دهد که این چهارپایان برای مدتی نزد ایشان نگهداری می‌شدند تا در اولین فرصت، محل مصرف مناسب برای آنها پیدا شود.

۱. همان.

۲. همان، ج ۳، ص ۱۱۷.

۳. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۷، ص ۲۵.

۴. محمد بن علی طبری آملی، بشارة المصطفی، ج ۱، ص ۲۶۸؛ احمد بن محمد ابن خنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۳۴۵؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۸۶.

۵. آغل یا انبار یا حیاط پستی (ر.ک. خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۸، ص ۳۱).

۶. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۹۷؛ احمد بن حسین بیهقی نیشابوری، السنن الکبری، ج ۷، ص ۵۶؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۵۶.

۷. سید محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۳، ص ۵۷۴.

۸. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۲، ص ۱۳۰؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۸۳؛ علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۹، ص ۱۹۱؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۵۶.

۵-۲-۲. نگرهبانی و نگهداری اموال عمومی

اموال عمومی گاه نزد افراد مختلفی نگهداری می‌شد و این افراد در حکم خزانه‌داران موقت به‌شمار می‌رفتند. طبرسی در مجمع‌البیان، اسامه را خازن و نگرهبان رحل پیامبر ﷺ معرفی می‌کند^۱ و تفسیر نمونه نیز با تعبیر «مسئول بیت‌المال حضرت ﷺ» از او یاد کرده است.^۲

طبق گزارش واقدی، پیامبر اکرم ﷺ بلال بن حارث را بر چراگاه نقیع گماشتند.^۳ در برخی گزارش‌ها، بلال بن رباح حبشی به‌عنوان مسئول نفقات رسول خدا ﷺ^۴ و خازن اموال ایشان معرفی شده است.^۵ نقل شده که بلال خرماهایی را که برای پیامبر ﷺ و مهمانان ایشان نزد او بود، گاهی برای هزینه‌های آینده ذخیره می‌کرد؛ اما این اقدام مورد انتقاد حضرت ﷺ قرار گرفت و ایشان دستور به انفاق دادند.^۶ گزارش‌های دیگری نیز از نگهداری اموال عمومی (مانند خمس و زکات) نزد کارگزاران و نمایندگان مالی پیامبر ﷺ حکایت دارد. از معاذ بن جبل نقل شده است که پیامبر ﷺ خرمای صدقه (زکات) را نزد او گذاشتند و او آن را در اتاق شخصی خود نگهداری کرد.^۷

واقدی و ابوعبید گزارش کرده‌اند که محمیة بن جزء زبیدی، مسئول خمس حضرت ﷺ بود و خمس غنایم را جمع‌آوری می‌کرد. همچنین زمانی که دو جوان از بنی‌هاشم قصد ازدواج داشتند، پیامبر ﷺ اجازه دادند از خمسی که نزد محمیة بود، برای ازدواج آن‌ها استفاده شود.^۸

مأموران و کارگزاران مالی در مناطق گوناگون ناگزیر بودند اموال دریافتی را نزد خود نگهداری کنند تا در محل خود مصرف شود یا به مدینه منتقل گردد. ابن‌سعد در الطبقات الکبری گزارش می‌کند که پیامبر ﷺ قدامه و ابوهیریه را به‌سوی منذر بن ساوی در بحرین فرستادند و در نامه‌ای از او خواستند جزیه‌ای را که نزد وی جمع‌آوری شده بود، به آن دو تحویل دهد.^۹

حضرت در نامه‌ای دیگر به نماینده خود علاء بن حضرمی در بحرین اطلاع دادند که وقتی فرستادگان ایشان برای

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۹، ص ۲۲۵.
۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۷۸.
۳. محمد بن عمر واقدی، مغازی، ج ۲، ص ۴۲۵ و ۴۲۶.
۴. عبدالعزیز بن محمد بن ابراهیم ابن‌جماعة، المختصر الکبیر فی سیرة الرسول، ج ۱، ص ۱۲۳؛ احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۶، ص ۱۱۳؛ عبدالحی الکتانی، نظام الحکومة النبویه، ج ۱، ص ۳۴۳.
۵. احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۴۵۵؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.
۶. علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۳؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۴۰ و ۳۵۹؛ ج ۱۰، ص ۱۵۵.
۷. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۰، ص ۵۱؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶۰، ص ۱۱۲.
۸. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۱۰؛ ج ۲، ص ۶۹۶ و ۶۹۷؛ قاسم بن سلام ابوعبید، الأموال، ج ۱، ص ۴۱۳ و ۴۱۵.
۹. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۷۶؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۶۵۸.

دریافت جزیبه‌های جمع‌شده نزد منذر بن ساوی آمدند، او باید جزیبه‌ها و صدقات (زکوات) را بی‌درنگ به آنان تحویل دهد.^۱ همچنین در نامه‌ای به زرعه بن ذی‌یزن، پیامبر ﷺ دستور دادند: «زکوات و جزیبه‌هایی را که نزد شماست جمع‌آوری کنید و به فرستادگان من تحویل دهید».^۲

۶-۲-۲. چراگاه ویژه

روایات و مستندات تاریخی نشان می‌دهند که پیامبر اکرم ﷺ مناطقی را به صورت «حمی» و قرق‌گاه در اختیار مرکب‌های مسلمانان، مجاهدان و چهارپایان زکات و جزیبه قرار می‌دادند.^۳ «نقیع» یکی از این مناطق بود که اسبان و شتران رزمندگان در آن چرا می‌کردند.^۴

در روایتی از اصول کافی، هنگامی که جمعی از بنی‌ضبه از بیماری خود نزد پیامبر ﷺ شکایت کردند، حضرت آنان را به بیرون مدینه، به مکانی (چراگاهی) که شتران صدقه در آن نگهداری می‌شدند، فرستادند تا از شیر و سایر فواید آن شتران تغذیه کنند و درمان یابند.^۵

واقعی نیز گزارش مشابهی درباره هشت تن از اهالی عرینه نقل می‌کند که پیامبر ﷺ آنان را برای درمان به «ذوالجدر» فرستادند؛ جایی که شتران آبستن یا شیرده نگهداری می‌شدند.^۶

در گزارشی دیگر از طبقات و مغازی آمده است که در منطقه «غابه»، بیست شتر آبستن یا شیرده متعلق به پیامبر ﷺ چرا می‌کردند. برخی از این شتران از محل فیء یا خمس غنایم غزوه غابه و خمس غنایمی که محمد بن مسلمه از نجد آورده بود، به دست آمده بودند و ابوذر مأمور نگهداری از آنها بود.^۷

۷-۲-۲. نگهداشت غنایم

واقعی گزارش می‌دهد که پیامبر ﷺ غنایم سریه نخله (سریه عبدالله بن جحش) در ماه رجب سال دوم هجرت را نگاه‌داشتند و آنها را همراه با غنایم غزوه بدر که در ماه رمضان همان سال رخ داد، تقسیم کردند.^۸

۱. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الكبرى؛ ج ۱، ص ۲۷۶؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۶۴۵.

۲. قاسم بن سلام ابوعبید، الاموال، ج ۱، ص ۲۵۹؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۵۷۸ و ۵۷۹.

۳. محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۸، ص ۵۵؛ محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۳، ص ۲۷۴؛ حسن بن یوسف حلّی، تذکره الفقهاء، ج ۲، ص ۴۱۱؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۵۰؛ ج ۳، ص ۵۴۳.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۷۷؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۷، ص ۱۴۱.

۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۷، ص ۲۴۵؛ محمد بن حسن طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱۰، ص ۱۳۴؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۴، ص ۳۲۳ و ۳۲۴.

۶. محمد بن عمر واقعی، المغازی، ج ۲، ص ۵۶۹.

۷. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الكبرى، ج ۲، ص ۸۰؛ محمد بن عمر واقعی، المغازی، ص ۵۲۵ و ۵۲۸.

۸. محمد بن عمر واقعی، المغازی، ج ۱، ص ۱۸.

ابن هشام نیز گزارش می‌کند که رسول خدا ﷺ گاهی اسرای جنگی را در مدینه حبس می‌کردند؛ مانند حبس اسرای قبیله طی - از جمله دختر حاتم - در اتاقی کنار مسجد^۱ و حبس عمرو بن ابی سفیان از اسرای جنگ بدر^۲. طبق گزارش‌های دیگر، پس از غزوة حنین، پیامبر ﷺ به منظور تعقیب فراریان، دستور دادند: اسیران و اموال غنیمی جنگ به «جعرانه» در شمال غربی دره حنین منتقل شوند و در آنجا نگاه‌داری شوند. تعقیب مشرکان به نبرد طائف انجامید. هنگام بازگشت به مدینه - که چند روز به طول انجامید - پیامبر ﷺ مدتی در جعرانه اقامت کردند و به تقسیم غنایم فراوان حنین پرداختند؛ غنایمی که شامل ۶ هزار اسیر، ۲۴ هزار شتر، ۴۰ هزار گوسفند و ۴ هزار اوقیه نقره بود.^۳ ابن هشام به نقل از ابن اسحاق گزارش می‌کند که پیامبر ﷺ بخشی از غنایم را در «مَجَنَّة» در ناحیه «مَرَّ الظَّهْران» محبوس کردند و پس از انجام عمره، آن اموال را به مدینه منتقل نمودند.^۴

از مجموع این شواهد - با درجات مختلف اعتبار - می‌توان با احتمال قوی، وجود مکان یا مکان‌هایی هرچند غیرمتمرکز و غیرثابت برای بیت‌المال در عصر نبوی را اثبات کرد. گزارشی از وجود بیت یا مکان مشخص، مستقل و دائمی برای بیت‌المال در دست نیست؛ اما اموال عمومی به صورت کوتاه‌مدت در مسجد، مراتع قرق شده، اتاق‌های شخصی کارگزاران و عاملان یا حتی نزد خود پیامبر ﷺ جمع‌آوری و نگاه‌داری می‌شدند.

افزون بر این، نمایندگان و عاملان پیامبر ﷺ در مناطق گوناگون موظف بودند جزیه‌ها و زکوات را در محلی جمع‌آوری و نگاه‌داری کنند تا بخشی از آنها به مدینه ارسال شود. حتی کتانی در نظام الحکومه النبویه پا را فراتر می‌گذارد و وجود محلی در کنار خانه‌های پیامبر ﷺ برای نگاه‌داری اسلحه، حیوانات، ادوات حمل‌ونقل، سایر اموال بیت‌المال و مکانی برای مهمانان، زندانیان و بیماران را از ضروریات زندگی آن زمان برمی‌شمارد.^۵

۳. تشکیلات اداری و مالی بیت‌المال

شواهد و گزارش‌ها حکایت از آن دارند که هسته اصلی تشکیلات و دفاتر مربوط به اداره بیت‌المال و مدیریت مالی در دولت نبوی شکل گرفته بود. با هجرت پیامبر اکرم ﷺ به مدینه و تشکیل حکومت اسلامی، به تدریج بر شمار مسلمانان و گستره اسلام افزوده شد.

البته برخی دگراندیشان، اصل تشکیل حکومت از سوی حضرت ﷺ را انکار می‌کنند، درحالی‌که شواهدی

۱. عبدالملک بن ابن هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۵۷۹.

۲. همان، ج ۱، ص ۶۵۰.

۳. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۱۵۲؛ محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۹۴۳.

۴. عبدالملک بن ابن هشام، السیره النبویه، ص ۵۰۰.

۵. عبدالحی الکتانی، نظام الحکومه النبویه، ج ۲، ص ۵۴.

همچون انعقاد پیمان عمومی و منشور مدینه،^۱ معرفی دولت‌شهر مدینه به‌عنوان «حرم» و تعیین مرزهای سرزمینی آن،^۲ تشریح قوانین و وضع نظام حقوقی، تشکیل نیروهای نظامی و مواردی از این دست، همگی گویای تأسیس حکومت اسلامی و اجرای شیوه‌های نوین از حیات و سلوک اجتماعی است که شامل اداره نظام سیاسی، آیین دادرسی و قضایی، تنظیم مناسبات اقتصادی و مالی، روابط خارجی، قواعد جنگ و صلح، امور فرهنگی و مناسبات خانوادگی می‌شد.^۳

مسائل و روابط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و پیشبرد اهداف حکومت، اقتضا می‌کرد تا نظام کارگزاری و ساختار اداری و مالی برای رتق و فتق امور شکل بگیرد. یکی از این اقتضات، لزوم ایجاد دفتر و تشکیلاتی برای اداره بودجه بیت‌المال بود. ضرورت داشت دفتری برای ثبت زکات‌ها، خمس‌ها، غنایم، انفاقات و برآورد مصارف آنها و نیز شبکه‌ای از کارگزاران مالی مربوط به آن شکل گیرد تا دخل و خرج بیت‌المال به بهینه‌ترین و کارآمدترین شکل مدیریت شود.^۴

قلقشندی در *صبح الأعشى* پس از ذکر برخی از کاتبان پیامبر ﷺ در امور مالی و غیرمالی، می‌نویسد: اگر این نقل‌ها صحیح باشد، دلالت بر وجود دیوان و دفتر در زمان نبوی دارد.^۵

احمدی میانجی نیز در کتاب *مکاتیب الرسول* ﷺ بر این دیدگاه است که دفاتر و دیوان‌های مربوط به کتابت وحی و سنت، عهدنامه‌ها، امان‌نامه‌ها، پیمان‌نامه‌ها، واگذاری‌ها، دعاوی، دیون، امور نظامی، مکاتبات، وفود، مالیات‌های شرعی، صدقات و مصارف آنها، در زمان دولت نبوی تأسیس شده‌اند.^۶

وجود تمام یا برخی از این دیوان‌ها، حتی به شکل بسیط و اولیه یا بدون استفاده از عنوان‌های رایج در ادوار بعدی، حکایت از وجود ساختار و نظامی اداری و کارگزاری برای اداره امور مالی دولت نبوی دارد.

۱-۳. کارگزاری دریافت و توزیع

پس از تشکیل حکومت و تشریح مالیات‌های شرعی (مانند زکات و جزیه) رسول خدا ﷺ عاملان و کارگزاران

۱. عبدالملک بن ابن‌هشام، *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۵۰۱-۵۰۴؛ فضل بن حسن طبرسی، *اعلام الوری بأعلام الهدی*، ج ۱، ص ۱۵۷؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، *الصحیح من سيرة النبی الأعظم*، ج ۵، ص ۱۲۸.

۲. عبدالملک بن ابن‌هشام، *السيرة النبوية*، ج ۱، ص ۵۰۱-۵۰۴؛ حمید بن مخلد ابن‌زنجویه، *الأموال*، ج ۲، ص ۴۶۶؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، *الصحیح من سيرة النبی الأعظم*، ج ۵، ص ۱۳۳-۱۲۷.

۳. غلامحسین زرگری‌نژاد، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، ص ۳۲۶.

۴. علی احمدی میانجی، *مکاتیب الرسول*، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۵. احمد بن علی قلقشندی، *صبح الأعشى فی صناعة الإنشاء*، ج ۱، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۶. علی احمدی میانجی، *مکاتیب الرسول*، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱.

متعددی را برای دریافت و توزیع این اموال به مناطق گوناگون شبه جزیره عربستان اعزام کردند؛ از جمله: ابوعبیده به بحرین برای دریافت جزیه؛^۱ عمرو بن حزم برای خمس؛^۲ معاذ بن جبل به یمن برای زکات و جزیه؛^۳ فروة بن مسیک مرادی به مراد؛ زبید و مذحج برای زکات؛^۴ ارقم بن ابی الارقم برای جمع آوری زکات؛^۵ ابی و عنبسه برای زکات سعد هذیم و جذام؛^۶ رافع بن مکث جهنی برای زکات قوم خود؛^۷ بریده بن حصیب به اسلم و غفار؛ عباد بن بشر اشهلی به سلیم و مزینه؛ ضحاک بن سفیان کلابی برای زکات بنی کلاب؛ بسر بن سفیان کعبی برای زکات بنی کعب؛ ابن لتبیه ازدی برای زکات بنی ذبیان؛^۸ حذیفه بن یمان به دباء؛^۹ علاء بن حضرمی به بحرین؛^{۱۰} عمرو بن عاص به عمان؛^{۱۱} عمرو بن حزم به نجران؛^{۱۲} ابوزید انصاری به عمان؛^{۱۳} و کارگزاران دیگری که شرح حال آنان در منابع تاریخی آمده است.^{۱۴}

برخی از کارگزاران مانند معاذ بن جبل، علاوه بر دریافت جزیه، مسئولیت سرپرستی عاملان دریافت زکات در یمن را نیز بر عهده داشتند و همواره در رفت و آمد میان مناطق مختلف برای قبض زکات بودند.^{۱۵}

از امام صادق علیه السلام درباره سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین روایت شده است که ایشان همواره زکات بادیه نشینان را میان فقیران همان منطقه و زکات شهر نشینان را میان فقیران شهر تقسیم می کردند.^{۱۶} حضرت در نامه ها و دستورات خود به

۱. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱۷، ص ۲۵؛ مسعود بن عیسی ورام، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر، ج ۱، ص ۱۳۲.
۲. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۲، ص ۵۳۴؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم، ج ۶، ص ۱۵۲.
۳. محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور احسائی، عوالی اللالی، ج ۳، ص ۱۱۴.
۴. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۳۲۷.
۵. احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۱۹۸.
۶. همان.
۷. همان، ص ۱۵.
۸. محمد بن عمر واقفی، المغازی، ص ۹۷۳.
۹. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ص ۳۹۰.
۱۰. همان، ج ۴، ص ۳۶۰.
۱۱. همان، ج ۱، ص ۲۶۳.
۱۲. یوسف بن عبدالله بن محمد ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۱۱۷۳.
۱۳. احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۹۳.
۱۴. ر.ک. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۵۰-۹.
۱۵. ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۱۴۰۳؛ قاسم بن سلام ابوعبید، الأموال، ج ۱، ص ۲۵۹؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۸۳ و ۸۴.
۱۶. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۵۵۴؛ محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳۱.

برخی عاملان تصریح می‌فرمودند که زکات از ثروتمندان همان منطقه اخذ و به فقیران همان‌جا پرداخت شود.^۱ این نشان می‌دهد که برخی کارگزاران مالی، علاوه بر وظیفه دریافت، مسئولیت توزیع و مصرف زکات را نیز بر عهده داشتند.

برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که بخشی از توزیع اموال عمومی از طریق شبکه نقابت و عرافت صورت می‌گرفت. پیامبر اکرم ﷺ در سال سیزدهم بعثت، با پیمان عقبه، مقدمات تشکیل حکومت مردمی خود را پیش از هجرت فراهم ساختند. در این پیمان، حضرت برای ارتباط با بدنه مردمی و اطلاع از وضعیت زندگی آنان، از نمایندگان اوس و خزرج خواستند که دوازده تن (نه تن از خزرج و سه تن از اوس) را به‌عنوان نقیب معرفی کنند تا واسطه میان مردم و ایشان باشند. اسامی این دوازده تن - که اسعد بن زراره در میان آنان به‌عنوان «نقیب النقباء» شناخته می‌شد -^۲ در منابع تاریخی ذکر شده است.^۳

شیخ صدوق در کتاب *الخصال*، نقیب را رئیس عرفا تعریف می‌کند.^۴ «عریف» به‌عنوان فردی سرشناس و آگاه از قوم، واسطه میان مردم و نقیب در خدمات اجتماعی و اقتصادی بود. در این ساختار هرمی، مردم به گروه‌های دهنفره تقسیم می‌شدند؛ هر ده نفر زیر نظر یک عریف، عریف‌ها زیر نظر نقیب، و نقیب‌های دوازده‌گانه زیر نظر پیامبر اکرم ﷺ قرار داشتند.^۵ در منابع تاریخی، افرادی مانند رافع بن خدیج،^۶ عبیده بن قیس^۷ و قبیصة بن برمه^۸ به‌عنوان عریف قوم خود معرفی شده‌اند.

از «عریف» در ابواب جهاد و زکات نیز یاد شده است. گزارش شده است که پیامبر ﷺ در جنگ‌های خیبر و حنین برای هر ده تن یک عریف تعیین کردند.^۹

علامه حلی در *تذکره الفقهاء*، «عریف» را کسی می‌داند که مستحقان زکات را می‌شناسد و میان آنان توزیع می‌کند و برای او سهمی از زکات به‌عنوان عامل در نظر گرفته است.^{۱۰} همچنین طبق دیدگاه ایشان، شایسته است امام ﷺ پس از

۱. محمد بن زین‌الدین ابن‌ابی‌جمهور، عوالی اللئالی، ج ۲، ص ۱۱۴؛ محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ج ۱، ص ۲۶۳ و ۲۹۰.

۲. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ج ۳، ص ۶۱۱؛ احمد بن یحیی بلاذری، فتوح البلدان، ج ۱، ص ۵.

۳. علی بن ابراهیم قمی، تفسیر القمی، ج ۱، ص ۲۷۲؛ عبدالملک بن ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۱، ص ۴۴۳.

۴. محمد بن علی صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۹۲.

۵. سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الاعظم، ج ۲۵، ص ۱۹۹-۲۱۰.

۶. احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابه فی تمییز الصحابه، ج ۲، ص ۳۶۳؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۱۵.

۷. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ج ۶، ص ۹۳.

۸. همان، ص ۱۹۴.

۹. حسن بن یوسف حلی، تذکره الفقهاء، ج ۹، ص ۲۷۰؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۱۵؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من

سیره النبی الاعظم، ص ۲۰۱.

۱۰. حسن بن یوسف حلی، تذکره الفقهاء، ج ۵، ص ۲۵۵؛ سیدمحمد هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل‌بیت ﷺ، ج ۵، ص ۳۷۵.

بستن پیمان ذمه با اهل کتاب، بر هر گروه دهنفره عرفی بگمارد تا از تغییرات جمعیتی و شمار بالغان آگاه گردد.^۱
 ایجاد شبکه مردم‌پایه نقابت و عرافت از طریق معتمدان برآمده از خود مردم، ارتباطی دوسویه میان جامعه و دولت اسلامی برقرار می‌کرد و امکان رصد دقیق احوال و وضعیت زندگی مردم را برای حکومت فراهم می‌ساخت.

۲-۳. کارشناسی و محاسبات

پیامبر اکرم ﷺ همواره افراد کارشناس و خبره‌ای را برای تخمین محصولات باغی و زراعی به کار می‌گرفتند تا میزان غلات زکوی و خراجی (مانند خرما، کشمش و دیگر محصولات) که وارد بیت‌المال می‌شد را برآورد کند. در مستندات روایی و تاریخی، از افرادی مانند عبدالله بن رواحه، جبار بن صخر و فروة بن عمرو به عنوان «خاص»ها و تخمین‌زن‌هایی که توسط حضرت منصوب شده بودند، نام برده شده است.^۲ طبق برخی روایات، زکات فطره‌ای که مردم مدینه سالانه به مسجد تحویل می‌دادند نیز اندازه‌گیری می‌شد.^۳

۳-۳. حسابرسی و نظارت

اموال بیت‌المال و امور کارگزاری مالی از سوی پیامبر اکرم ﷺ تحت حسابرسی و نظارت دقیق قرار داشتند. بخاری نقل می‌کند که وقتی ابن‌لثیه، مأمور زکات قبیله بنی‌سلیم، با اموال زکوی بازگشت، حضرت ﷺ از او حساب‌کشی کردند.^۴
 به روایت کنز العمال، حذیفه - یکی دیگر از کارگزاران حضرت - هنگامی که دخترش بزغاله‌ای از اموال زکوی برداشت، مورد مؤاخذه پیامبر ﷺ قرار گرفت و آن را بازگرداند.^۵

در نقل دیگری، رسول اکرم ﷺ هنگام جمع‌آوری غنایم، به لشکریان توصیه می‌کردند که حتی نخ و سوزن غنیمتی را پنهان نکنند و بازگردانند.^۶

ابن‌هشام گزارش می‌دهد که عقیل بن ابی‌طالب با شنیدن این توصیه، سوزن خیاطی‌ای را که از وسایل دشمن برداشته و به همسرش داده بود، پس گرفت و به غنایم بازگرداند.^۷

۱. حسن بن یوسف حلّی، تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۳۲۳؛ سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مذهب مطابق اهل بیت ﷺ، ج ۹، ص ۳۲۳.
۲. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویه، ج ۲، ص ۳۵۴؛ محمد بن یزید ابن‌ماجه، سنن ابن‌ماجه، ج ۳، ص ۳۴؛ محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۲۶۷؛ احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۵۵۹؛ ج ۳، ص ۳۶۰؛ ج ۵، ص ۲۷۸ و ۲۷۹؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۰۷؛ ج ۱۸، ص ۲۴۱.
۳. محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۱۵۰؛ محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۲۰۷؛ ج ۱۸، ص ۲۴۱.
۴. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۰.
۵. علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۶، ص ۵۶۸.
۶. همان، ج ۴، ص ۳۹۵-۳۹۳.
۷. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیرة النبویه، ص ۴۹۲.

به سبب اهمیت و حساسیت بالای بیت‌المال مسلمانان که با حقوق عمومی در ارتباط بود، پیامبر ﷺ نظارت دقیقی بر کارگزاری مالی این نهاد داشتند. اگر کسی تمایل به پذیرش مسئولیت «عریف» قومی داشت - که کارکرد مالی و اجتماعی داشت - حضرت خطرات این مسئولیت را یادآور می‌شدند و می‌فرمودند: «کسی که مسئولیت عرافت قومی را می‌پذیرد، روز قیامت در حالی وارد می‌شود که دستانش به گردنش بسته است؛ اگر در میان مردم به فرمان خدا عمل کرده باشد، رها می‌شود، وگرنه در آتش دوزخ سقوط می‌کند».^۱

سنگینی مسئولیت عاملیت بیت‌المال به حدی بود که به نقل از بیهقی، زمانی که پیامبر ﷺ عبادۀ بن صامت و سعد بن عبادۀ را برای دریافت زکات اعزام می‌کردند، آنان را از خطرات احتمالی این مأموریت در قیامت برحذر داشتند و آن دو تن از پذیرش آن صرف‌نظر کردند.^۲

بیهقی در جای دیگر از قول پیامبر ﷺ نقل می‌کند: «گماشتگان و کارگزاران مالی ما باید اموال کم و زیاد را به ما تحویل دهند؛ و اگر به اندازه یک سوزن اختلاس کنند، در روز قیامت پاسخگو خواهند بود».^۳

بنا به گزارشی دیگر، یکی از مأموران زکات، اموال دریافتی را نزد پیامبر ﷺ آورد و گفت: فلان مقدار از آن، مال زکوی و برای شماست، و فلان مقدار دیگرش به من هدیه داده شده است. حضرت از این سخن برآشفتنده، بر منبر رفتند و فرمودند: «حال این کارگزار که برای انجام مأموریت فرستاده‌ایم چه می‌شود؟ اگر در خانه‌اش می‌نشست، آیا این هدیه به او داده می‌شد؟! این اموالی که کارگزاران مالی می‌آورند، مسئولیت آنها در روز قیامت بر عهده آنان است (و باید پاسخگو باشند)».^۴

این نظارت گاه به عزل کارگزاران نیز منجر می‌شد. طبق گزارش ابن سعد، زمانی که مردم قبیله عبدالقیس از علاء بن حصرمی - کارگزار مالی پیامبر ﷺ در بحرین - شکایت کردند، حضرت او را عزل و ابان بن سعید را جایگزین نمودند.^۵ همچنین وقتی ولید بن عقبه برای دریافت زکات به قبیله بنی‌مصطلق فرستاده شد، اما بدون انجام مأموریت و با گزارش خلاف واقع بازگشت، رسول خدا ﷺ او را عزل کردند و طبق برخی نقل‌ها، عباد بن بشر را جایگزین وی نمودند.^۶

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۵۳؛ محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳.

۲. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۴، ص ۲۶۷؛ علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ص ۵۶۹.

۳. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۲۴؛ علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۴، ص ۳۹۵-۳۹۳.

۴. قاسم بن سلام ابوعبید، الأموال، ج ۱، ص ۳۳۸؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۳۰؛ ج ۹، ص ۷۰؛ احمد بن حسین بیهقی،

السنن الکبری، ج ۴، ص ۲۶۷.

۵. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۴، ص ۲۶۶ و ۲۶۷.

۶. همان.

۳-۴. نگاه داری و حراست

در دولت نبوی، افرادی برای حفظ و حراست از اموال بیت‌المال به کار گرفته می‌شدند. طبق گزارش‌ها، نگرهبانی و نگاهداری رحل پیامبر اکرم ﷺ برعهده اسامه بود^۱ و مسئولیت نفقات ایشان بر دوش بلال حبشی قرار داشت.^۲ بلال بن حارث نیز بر نقیع - چراگاه و قرق‌گاه ویژه حیوانات زکوی و نظامی - گماشته شد.^۳ خمس غنایم نزد محمیة بن جزء زبیدی نگاهداری می‌شد.^۴ در شرح حال عبدالله بن کعب انصاری نیز آمده است که در غزوه بدر، مسئولیت غنایم و در برخی جنگ‌های دیگر، مسئولیت خمس پیامبر ﷺ را بر عهده داشت.^۵

۳-۵. آمار و اطلاعات

گزارش‌هایی از سیره نبوی مبنی بر به‌کارگیری افراد برای ثبت اطلاعات آماری بیت‌المال وجود دارد. معیقب بن ابی‌فاطمه دوسی غنایم پیامبر ﷺ را ثبت می‌کرد.^۶

ابن‌سعد می‌نویسد: در غزوه حنین، حضرت زید بن ثابت را برای شمارش مردم و میزان غنایم مأمور کردند.^۷ جهم (یا جهمیم) بن صلت و زبیر بن عوام اموال زکوی را ثبت می‌کردند.^۸ حذیفه بن یمان زکات خرما^۹ و در نقل دیگر، تخمین محصول خرما یا سایر محصولات باغی حجاز را می‌نوشت.^{۱۰} عبدالله بن رواحه که محصولات خبیر را تخمین می‌زد، احتمالاً میزان محصول تخمینی و افراد مشمول را نیز کتابت می‌کرد.^{۱۱}

۱. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ص ۲۲۵؛ ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، ج ۲۲، ص ۱۷۸.
۲. احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۴۵۵؛ جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، ج ۱۴، ص ۱۳۱ و ۱۳۲.
۳. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۲، ص ۴۲۵ و ۴۲۶؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۸، ص ۵۵؛ محمد بن حسن طوسی، المبسوط فی فقه الإمامیه، ج ۳، ص ۲۷۴؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۳۵۰؛ ج ۳، ص ۵۴۳.
۴. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۴۱۰؛ ج ۲، ص ۶۹۶ و ۶۹۷؛ قاسم بن سلام ابوعبید، الأموال، ج ۱، ص ۴۱۳ و ۴۱۵.
۵. یوسف بن عبدالله بن محمد ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۳، ص ۹۸۱؛ احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، الإصابة فی تمییز الصحابه، ج ۱، ص ۴۵۵.
۶. علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الإشراف، ج ۱، ص ۲۴۶.
۷. محمد بن سعد ابن‌سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۳.
۸. محمد بن علی ابن‌شهر آشوب مازندرانی، المناقب، ج ۱، ص ۱۶۲؛ احمد بن علی ابن‌حجر عسقلانی، فتح الباری شرح صحیح البخاری، ص ۶۲۵.
۹. محمد بن علی ابن‌شهر آشوب مازندرانی، المناقب، ج ۱، ص ۱۶۲.
۱۰. علی بن حسین مسعودی، التنبیه و الإشراف، ج ۱، ص ۲۴۶؛ ابن عبد ربه اندلسی، العقد الفرید، ج ۴، ص ۲۴۴؛ عبدالحی الکتانی، نظام الحکومه النبویه، ج ۱، ص ۲۰۱.
۱۱. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ص ۱۷۵.

گزارش‌هایی درباره علامت‌گذاری حیوانات زکوی یا جزیه‌ای توسط رسول خدا ﷺ نیز وجود دارد که می‌توان آنها را در جهت همین نظام ثبت و ضبط اموال بیت‌المال ارزیابی کرد.^۱ در بخش مصارف و واگذاری‌ها نیز مستندات زیادی درباره ثبت و سندزنی اقطاعات زمین از سوی دولت نبوی وجود دارد که توسط افراد مختلف مکتوب شده است.^۲ همچنین گزارش‌های متعددی مبنی بر سرشماری در دولت نبوی وجود دارد که آمار و اطلاعات لازم را برای برنامه‌ریزی مالی در اختیار حکومت قرار می‌داد. در برخی منابع آمده است: پیامبر ﷺ به اصحاب خود دستور دادند: تعداد مسلمانان را شمارش کنند^۳ و مرگ‌ومیر افراد را اطلاع دهند.^۴

سرشماری وفود و دریافت اطلاعات جمعیتی آنها نیز می‌توانست دولت را در خدمت‌رسانی و مدیریت مالی مربوط به آن یاری کند. طبق گزارشی، با ورود وفد بجیله به مدینه، رسول خدا ﷺ دستور دادند تعداد افراد آنها ثبت شود.^۵ دولت نبوی با سرشماری و آمارگیری نظامی، اطلاعات خود را درباره تأمین مالی، تأمین نیروی انسانی و نحوه هزینه‌کرد منابع تکمیل می‌کرد.

ابن سعد نقل می‌کند که در غزوه حنین، زید بن ثابت از سوی پیامبر ﷺ مأمور شمارش افراد (رزمندگان) و غنایم شد.^۶ گزارش‌های دیگری نیز وجود دارند که جوانان انصار هر سال به محضر پیامبر ﷺ آورده می‌شدند تا هر کس به سن بلوغ رسیده بود، برای جهاد اعزام شود.^۷

۳-۶. تشریفات و تدارکات

امور و شؤون مختلف بیت‌المال ایجاب می‌کرد که افرادی مسئولیت تأمین، تدارک و تشریفات را بر عهده گیرند. وفود و مهمانانی که برای پذیرش اسلام یا فراگیری آموزه‌های دینی و قرآنی به مدینه وارد می‌شدند، در

۱. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۷، ص ۵۶؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۳۰؛ ج ۷، ص ۹۷؛ محمدحسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۵، ص ۴۵۶؛ سیدمحمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ، ج ۳، ص ۵۷۴؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲، ص ۲۸۳؛ علی بن حسام‌الدین متقی هندی، کنز العمال، ج ۹، ص ۱۹۱.

۲. رک. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۶۷-۲۷۴؛ علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۳، ص ۴۳۳-۵۲۲ (فصل ۱۳، الإقطاعات).

۳. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۷۲؛ مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۳۱؛ احمد بن علی ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱، ص ۱۴۵ و ۵۳۵؛ ج ۶، ص ۵۹۵.

۴. علی احمدی میانجی، مکاتیب الرسول، ج ۱، ص ۱۱۱، به نقل از: عبدالحی‌الکثانی، نظام الحکومة النبویه، ج ۱، ص ۸۷ و ۸۸.

۵. علی بن ابی‌بکر هیثمی، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ج ۱۰، ص ۴۸.

۶. محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۱۵۳.

۷. سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۷، ص ۱۷۷؛ ابن عبدالبر قرطبی، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، ج ۲، ص ۶۵۵؛ علی بن محمد ابن‌اثیر، اسد الغابة فی معرفة الصحابه، ج ۲، ص ۵۵۴؛ ج ۷، ص ۳۳۵.

«دارالمضیف» یا خیمه‌هایی که به‌عنوان اقامتگاه موقت برای آنان فراهم شده بود، اسکان می‌یافتند. افرادی مانند بلال و خالد بن سعید از آنان پذیرایی می‌کردند و هنگام بازگشت، با هدایا و توشه راه بدرقه‌شان می‌نمودند.^۱ همچنین برای جنگ‌ها نیاز بود کسانی ابزارآلات، نیروی انسانی و سایر نیازمندی‌های نظامی را تأمین کنند. در غزوه بنی قریظه، سعد بن زید انصاری و سعد بن عباد از سوی پیامبر اکرم ﷺ مأمور شدند تا اسیران جنگی را به نجد و شام ببرند، آنها را بفروشند و در ازای آن، مرکب و سلاح برای تجهیز نیروهای مسلمان تهیه کنند.^۲

نتیجه‌گیری

این پژوهش با رویکردی «تحلیلی - تاریخی»، به بررسی مبدأ شکل‌گیری نهاد بیت‌المال در صدر اسلام و واکاوی سازوکار مالی دولت نبوی پرداخته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که گرچه اصطلاح «بیت‌المال» به‌صورت رسمی و عمومی در عصر نبوی رایج نبود، اما نظام مالی منسجمی با کارکردهای اصلی این نهاد، به‌صورت غیرمتمرکز شکل گرفت. در کنار الزامات حاکمیتی و ضرورت مدیریت دخل و خرج، شواهد متعددی وجود دارند که نشان می‌دهند پیامبر اکرم ﷺ از مکان‌های مختلف برای حفظ و نگاه‌داری اموال عمومی بهره می‌گرفتند و تشکیلات اداری و مالی مرتبط با بیت‌المال را سامان داده بودند.

حضرت از مکان‌های چندمنظوره (مانند مسجد)، ظرفیت‌های محلی (مانند چراگاه‌های اختصاصی)، اتاقک‌های موقت و دیگر فضاهای قابل استفاده بهره می‌بردند؛ رویکردی که نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری سازمانی و مدیریتی کارآمد و کم‌هزینه در اداره منابع عمومی است. وجود خارصان برای برآورد محصولات، کاتبان برای ثبت اموال و نشانه‌گذاری حیوانات مالیاتی، بیانگر تلاش برای ایجاد پایه‌های اولیه یک نظام مالی مستند است.

همچنین وجود شبکه‌ای منسجم از کارگزاران محلی و منطقه‌ای، نظام کارشناسی و محاسباتی، نظام ثبت و ضبط مستند درآمدها و هزینه‌ها، آمارگیری ابتدایی، نظارت دقیق بر جمع‌آوری و توزیع اموال عمومی، و توزیع عادلانه بر اساس نیازهای جامعه، همگی گواهی بر وجود تشکیلاتی هستند که در آن، سادگی ساختارها با کارایی عملیاتی تلفیق شده بود.

۱. محمد بن عمر واقدی، المغازی، ج ۳، ص ۹۶۸-۹۶۴؛ محمد بن سعد ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۱، ص ۲۹۴، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۲۳، ۳۲۷، ج ۵، ص ۵۵۸؛ ج ۷، ص ۴۳۵؛ ابوزید ابن شبنه، تاریخ المدینه، ج ۱، ص ۲۳۵؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۴، ص ۹۹؛ سلیمان بن احمد طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۳۴۰ و ۳۵۹؛ ج ۱۰، ص ۱۵۵، علی بن حسن طبرسی، مشکاة الأنوار، ج ۱، ص ۱۸۳؛ احمد بن علی تقی‌الدین مقریزی، إمتاع الأسماع، ج ۱۰، ص ۱۶۵؛ محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۵۳۰.

۲. عبدالملک بن ابن‌هشام، السیره النبویه، ج ۲، ص ۲۴۵؛ سیدجعفر مرتضی عاملی، الصحیح من سیره النبی الأعظم، ج ۱۲، ص ۱۷۲.

منابع

- ابن عبد ربّه اندلسی، احمد بن محمد، *العقد الفریء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
- ابن عبدالبر قرطبی، یوسف بن عبدالله بن محمد، *الاستیعاب فی معرفه الأصحاب*، بیروت، دارالجیل، ۱۴۱۲ق.
- ابن‌ابی‌جمهور احسانی، محمد بن زین‌الدین، *عوالی الثلثی العزیزیه فی الأحادیث الدینیّه*، قم، سیدالشهداء، ۱۴۰۳ق.
- ابن اثیر، علی بن محمد، *اسد الغابہ فی معرفه الصحابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن جماعه، عبدالعزیز بن محمد بن ابراهیم، *المختصر الکبیر فی سیره الرسول*، تحقیق سامی مکی العانی، عمان، دارالبشیر، ۱۹۹۳م.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *الإصابه فی تمییز الصحابه*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق.
- ابن حنبل، احمد بن محمد، *مسند الإمام أحمد بن حنبل*، تحقیق احمد محمد شاکر، قاهره، دارالحديث، ۱۴۱۶ق.
- ابن زنجویه، حمید بن مخلد، *الأموال*، ریاض، مرکز الملك فیصل للبحوث و الدراسات الإسلامیه، ۱۴۰۶ق.
- ابن سعد، محمد بن سعد بغدادی، *الطبقات الکبری*، بیروت، دار صادر، ۱۹۶۰م.
- ابن شبهه، ابوزید، *تاریخ المدینّه*، جدّه، بی‌نا، ۱۳۹۹ق.
- ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، *منقب آل‌ابی‌طالب*، قم، علامه، ۱۳۷۹ق.
- ابن ماجه، محمد بن یزید، *سنن ابن‌ماجه*، عمان، دار الرسالۀ العالمیه، ۱۴۳۰ق.
- ابن هشام، عبدالملک، *السیره النبویه*، بیروت، دار المعرفه، بی‌تا.
- ابوعبید، قاسم بن سلّام، *الأموال*، بیروت، دارالفکر، بی‌تا.
- ابوهلال عسکری، حسن بن عبدالله، *الأوائل*، طنطا، دارالبشیر، ۱۴۰۸ق.
- اجتهادی، ابوالقاسم، *بررسی وضع مالی و مالیه مسلمین از آغاز تا پایان دوران اموی*، تهران، سروش، ۱۳۶۳.
- احمدی میانجی، علی، *مکاتیب الرسول*، قم، دارالحديث، ۱۴۱۹ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، *صحیح البخاری*، دمشق، دار طوق النجاه، ۱۴۲۲ق.
- برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، قم، دارالکتب الاسلامیه، بی‌تا.
- بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، قاهره، مکتبه النهضه المصریه، ۱۹۵۶م.
- بیهقی نیشابوری، احمد بن حسین، *السنن الکبری*، بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- تقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، *الغارات*، تحقیق عبدالزهراء حسینی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم، مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث، ۱۴۱۶ق.
- حلی، حسن بن یوسف، *تذکره الفقهاء*، قم، مؤسسه آل‌البتیة لإحیاء التراث، ۱۴۰۴ق.
- دجیلی، خوله شاکر، *بیت‌المال، پیدایش و تحولات آن*، ترجمه محمدصادق عارف، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۹.
- زارع، حمید، *نظام انباری در سیره و سنت نبوی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۵.
- زرگری‌نژاد، غلامحسین، *تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)*، تهران، سمت، ۱۳۷۸.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن، *تاریخ الخلفاء*، تحقیق حمدی الدمرداش، مکه، مکتبه نزار مصطفی‌الباز، ۱۴۲۵ق.
- شهیدی پاک، محمدرضا، *تاریخ تشکیلات در اسلام*، چ سوم، قم، المصطفی، ۱۴۰۲.
- صدوق، محمد بن علی، *الخصال*، تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۳۶۲.
- صدوق، محمد بن علی، *من لا یحضره الفقیه*، قم، مؤسسه النشر اسلامی، ۱۳۶۳.

- طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الكبير، ط الثانية، قاهره، دار النشر، مكتبة ابن تيمية، ۱۴۱۵ ق.
- طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، قم، مكتبة الفقيه، بی تا.
- طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم، آل البيت، ۱۴۱۷ ق.
- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البيان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۱۵ ق.
- طبری، آملی، عمادالدین محمد بن علی، بشارة المصطفى لشبعة المرتضى، نجف، المطبعة الحیدریه، ۱۳۸۳ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران، المكتبة المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریة، ۱۳۸۷ ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الأحكام، تهران، دار الكتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.
- عاملی، سیدجعفر مرتضی، الصحیح من سیرة النبی الأعظم ﷺ، قم، دار الحدیث، ۱۴۲۶ ق.
- علی، جواد، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار العلم للملایین، ۱۹۶۸.
- عیاشی، محمد بن مسعود، التفسیر (للعیاشی)، تهران، مكتبة العلمیه الاسلامیه، ۱۳۸۰.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، بیروت، دار و مكتبة الهلال، بی تا.
- قلقشندی، احمد بن علی، صحیح الأعی فی صناعة الإنشاء، بیروت، دار الكتب العلمیه، بی تا.
- قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر قمی، ط الثالثه، قم، دارالكتاب، ۱۴۰۴ ق.
- کنانی، عبدالحی، نظام الحکومه النبویه المسمى الترتیب الاداریه، بیروت، دار الأرقم، بی تا.
- کرچی، علی، «سیرة پیامبر اکرم ﷺ در بیت المال»، ۱۳۸۱، فرهنگ کوثر، ش ۴۹، ص ۱۱۱-۱۲۵.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۶۳.
- ماوردی، علی بن محمد، الأحكام السلطانیة والولايات الدینیة، مکه، دارالتعاون للنشر و التوزیع، ۱۳۸۶ ق.
- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام الدین، کنز العمال فی سنن الأفعال و الأفعال، ط الخامسة، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۰۱ ق.
- مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۸.
- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۴۰۴ ق.
- مسعودی، علی بن حسین، التنبيه و الإشراف، تصحیح عبدالله اسماعیل الصاوی، قاهره، دار الصاوی، بی تا.
- مقریزی، تقی الدین احمد بن علی، إمتاع الأسماع بما للنبی من الأحوال و الأموال و الحفلة و المتاع، تحقیق محمد عبدالحمید النمیسی، بیروت، دار الكتب العلمیه، ۱۴۲۰ ق.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالكتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- منتظری مقدم، حامد، «شیوه های تقسیم بیت المال در صدر اسلام»، ۱۳۸۹، معرفت اقتصادی، ش ۲ (۱)، ص ۱۳۷-۱۶۹.
- نخعی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ط السابعة، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۲.
- نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم، مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸ ق.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صحيح مسلم)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.
- واقفی، محمد بن عمر، المعاری، تحقیق مارسدن جونس، بیروت، دار الأعلمی، ۱۴۰۹ ق.
- ورأم، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر (مجموعه ورأم)، قم، مكتبة الفقيه، بی تا.
- هاشمی شاهرودی، سیدمحمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت ﷺ، ج دوم، قم، مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۵.
- هیثمی، نورالدین علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، تحقیق حسام الدین القدسی، قاهره، مكتبة القدسی، ۱۴۱۴ ق.